

به یاد شادروان آیت‌الله صدوقی

یازدهم تیرماه ۱۳۶۱، وقتی که آیت‌الله صدوقی، پس از پایان نماز جمعه، آماده رفتن به منزل می‌شد، انفجاری رخ داد و یکی از نزدیکترین یاران رهبر انقلاب را شهید کرد. آیت‌الله صدوقی، یکی از کسانی بود که در جهت به‌ثمر رسیدن انقلاب و تحکیم آن به‌منفع زحمتکشسان، از هیچ تلاشی دریغ نداشت و سرانجام هم، جان خود را بر سر آن گذاشت. آیت‌الله صدوقی، در تمامی دوران زندگی و فعالیت خود، هرگز هم‌شهری‌های زرتشتی خود را فراموش نمی‌کرد و در تخفیف جو منشنجی که در برنامه ضدانقلاب برای ایجاد جنگ مذهبی و رواج تشری‌گری بود، سهمی ارزنده داشت.

در این‌جا، سخنرانی‌های آقای پرویز ملک پور، نماینده ارجمند زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، همچنین سخنرانی حجت‌الاسلام خاتمی و حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها و دیگران را در مراسم یادبود آیت‌الله صدوقی در تالار ایرج (انجمن زرتشتیان تهران)، می‌آوریم، تا سهم خود را در این زمینه ادا کرده باشیم.

۱. نطق قبل از دستور آقای پرویز ملک‌پور در مجلس شورای اسلامی (یکشنبه سیزدهم تیرماه)

به‌خشنودی اهورامزدا!

پریروز، جمعه یازدهم تیرماه ۱۳۶۱، بازهم ضدانقلاب حادثه‌ای جانکاه آفرید و آیت‌الله صدوقی، یار امام و انقلاب را، از ما گرفت. آیت‌الله صدوقی را همه مردم ایران و همه دوستان انقلاب به‌خوبی می‌شناسند، ولی هیچ گروه و قشری از این جامعه نمی‌تواند به‌اندازه زرتشتیان مقیم یزد از فقدان این مرد شریف روحانی مناسف باشند. ناسف به‌حق ما بدین دلیل است که شادروان آیت‌الله صدوقی با همه مشکلاتی که دشمنان انقلاب ایجاد می‌کردند و با همه گرفتاری‌های گوناگونی که در محیط خود داشتند، هیچ‌وقت هم‌شهریان زرتشتی خود را فراموش نمی‌کردند و هرگز از تلاش در راه برطرف کردن دشواری‌های هم‌میهنان زرتشتی خود، با توجه به درایت و پختگی خاص یک روحانی راستین، دریغ نمی‌ورزیدند.

ترور ناجوانمردانه آیت‌الله صدوقی چند هدف را دنبال می‌کرد، بدین ترتیب که رهبر انقلاب یکی از یاران راستین خود، انقلاب یک مبارز خستگی‌ناپذیر، محرومان و زحمتکشسان یک حامی دلسوز و زرتشتیان یک نیک‌اندیش و یشتیبان خود را از دست بدهند.

زرتشتیان ایران می‌دانند که هرآنچه به‌دست آورده‌اند و درآینده به‌دست خواهند آورد، محصول انقلاب است و اگرچه فقدان مردان بزرگی همچون آیت‌الله صدوقی، جبران‌ناپذیر است ولی تا زمانی که این مردم ایثارگرا حاضر به‌هرگونه فداکاری در راه انقلاب هستند و تا وقتی که رهبری انقلاب هوشیارانه عمل می‌کند، هیچ حرکتی از ضدانقلاب تأثیری در روند پویای حرکت انقلابی مردم میهن ما نخواهد داشت، همان‌طور که هیچ انقلابی، اگر ریشه در توده‌های محروم داشته است، با این سیاه‌کاری‌ها شکست نخورده است.

زرتشتیان ایران همچون سابق دست در دست دیگر مردم ایران، همچنان انقلاب را پاس می‌-

دارند و چه در جبهه‌های جنگ و چه در پشت جبهه، برای گسترش اندیشه‌های انسانی انقلاب هیچ تردیدی به‌خود راه نخواهند داد.

پیروز باد اندیشه‌های والای انقلاب بزرگ مردم ایران
نابود باد نیرنگ‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب

۲. پیام آقای پرویز ملک‌پور به مجلس یادبود آیت‌الله صدوقی که در یزد و به‌وسیله زرتشتیان یزد برگزار شد.

به‌خشنودی (هورامزدا)

مایل بودم که از نزدیک در این مجلس با شکوه شرکت کنم و در کنار همکیشان زرتشتی و هموطنان یزدی خود باشم. متأسفانه بیماری و کار زیاد، مرا از فیض دیدار شما محروم کرد و ناچار تنها به‌فرستادن این‌پیام قناعت کردم.

فتیه عالیقدر و روحانی پرهیزکار، آیت‌الله صدوقی، از میان ما رفت. دست جنایتکار دشمنان انقلاب، و در رأس آن‌ها امریکای ایرجنایتکار، از آستین جوانی ناپخته و در دام‌افتاده بیرون آمد و یکی دیگر از یاران انقلاب را از ما گرفت. از دست رفتن آیت‌الله صدوقی، بیشتر بر مردم یزد - خاصه برجماعت زرتشتی این دیار، سنگینی می‌کند، چرا که ایشان توانسته بودند در شرایطی بسیار دشوار و در میان هیاهوی فراگیر دشمنان انقلاب، حرمت هم‌شهری‌های زرتشتی خود را حفظ کنند. دشمنان انقلاب، تلاش بسیار کردند تا، به نام اسلام، در کشور انقلابی ما، جنگ مذهبی راه بیندازند و مردم محروم کشور را، به‌این نام، مشغول سازند تا دشمن جبار و ستمکار بتواند راهی برای بازگشت پیدا کند. امپریالیسم امریکا با از دست دادن ایران، به‌سرگیجه دچار شد و وقتی در همه توطئه‌ها و دسیسه‌های خود ناکام ماند، تلاش خود را برنابودی ستون‌های انقلاب گذاشت و طبیعی بود که، در مرحله اول، دست روی کسانی بگذارد که ترفندهای قبلی او را نقش برآب کرده بودند. به‌فکر آن‌ها آیت‌الله صدوقی، یکی از این کسان بود و می‌بایستی از بین برود. ولی دشمنان انقلاب ما، تنها یک چیز را نمی‌فهمند و آن این است که ستون اصلی نگهدارنده این انقلاب، مردم محروم و رهبری آگاه و سازش ناپذیر آن است و به‌همین جهت با از میان رفتن آیت‌الله صدوقی، صدها صدوقی دیگر ساخته می‌شود.

زرتشتیان ایران، و به‌خصوص زرتشتیان یزد، هرگز درایت هوشمندانه آیت‌الله صدوقی را فراموش نمی‌کنند و می‌دانند که وجود ایشان در یزد، موجب ناکام ماندن نقشه ضدانقلاب در ایجاد اختلاف‌های مذهبی شد. ولی ارضیه معنوی آیت‌الله صدوقی، راهنمای همه انقلابی‌ها و به‌خصوص همه یزدی‌ها - چه زرتشتی و چه مسلمان - است و دست یک‌دیگر تا پیروزی کامل این انقلاب، و تا نابودی سردرسته جنایتکاران زمان، یعنی امریکا، از پای نمی‌نشینند.

درد به‌روان آیت‌الله صدوقی

۳. سخنرانی آقای پرویز ملک‌پور در مجلس بزرگداشت شهید آیت‌الله محمد صدوقی (شنبه ۱۹، ۶۱ در مراسم جامعه زرتشتیان در نالار ایرج - تهران)

به‌خشنودی (هورامزدا)

با سپاسگزاری از تشریف‌فرمائی اعضاء خانواده شهید آیت‌الله صدوقی، فرزند برومندشان

حجت‌الاسلام صدوقی و همچنین حجت‌الاسلام جناب آقای دکتر خاتمی، باید عرض کنم که وجود این مجلس و مجلس‌های مشابهی که در تهران و یزد و کرمان برای بزرگداشت خاتمه آیت‌الله صدوقی، روحانی مبارز و انقلابی و یکی از یاران صدیق رهبر انقلاب برگزار می‌شود، نشانه روشنی است از درستی سخنان رهبر بزرگ انقلاب که فرمودند: «هرچه بیشتر رهبران انقلاب را مورد سوء قصد قرار دهند این ملت بیشتر منسجم می‌شود.» دشمنان انقلاب بنا به توصیه آمریکا، سرکرده جنایتکاران قرن، وقتی که در همه دسیسه‌ها و نیرنگ‌های خود ناکام ماندند به این سوی رو آوردند، تا با دامن‌زدن به بعضی روحیه‌های قشری و با پیش‌کشیدن شعارهای انحرافی، از یک طرف قوم‌ها و ملیت‌های مختلف این سرزمین، و از طرف دیگر مذهب‌ها و دین‌های متفاوت را در برابر هم قرار دهند و با طرح مسائل قومی و مذهبی، راهی برای ایجاد تفرقه و ناراضی در میان این ملت به‌پا خواسته پیدا کنند. آن‌ها از یک‌طرف قشری‌ترین شعارها را مطرح می‌کنند و از طرف دیگر همان شعارها را به‌پای حاکمیت انقلابی می‌گذارند و تلاش می‌کنند تا چهره ضدامپریالیستی و انسانی انقلاب بزرگ مردم ایران را تگرگون جلوه دهند. در این‌جاست که ارزش وجودی مردان بزرگی چون آیت‌الله صدوقی به‌خوبی احساس می‌شود. در شهر انقلابی یزد قرن‌هاست که مسلمانان و زرتشتیان کنار هم زندگی می‌کنند، با هم از ستم حکمرانان جبار رنج برده‌اند و با هم علیه ظلم و بیداد جنگیده‌اند. دشمنان انقلاب در این سه‌سال‌وچندماهی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، خیلی کوشیده‌اند تا سیمای اسلامی انقلاب را به‌معنای دشمنی با دیگر اقوام و دین‌ها تعبیر کنند و در این‌باره میاهوی بسیار کرده‌اند، ولی به‌دلیل هوشیاری و درایت رهبر انقلاب و به‌دلیل ظرفیت فوق‌العاده انقلابی مردم کشورمان و به‌دلیل وجود رهبرانی چون آیت‌الله صدوقی در نیرنگ خود ناکام ماندند. و همه قوم‌ها و دین‌ها و همه مردم زحمتکش و محروم کشور ما در کنار هم چون سدی محکم ایستادند و از انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن دفاع کردند. به‌همین دلیل، وقتی شخصیتهایی همچون آیت‌الله صدوقی از میان ما می‌رود نه‌تنها مردم یزد و نه‌تنها مسلمانان انقلابی، بلکه همه مردم به‌خوش می‌آیند و در سوگ از دست رفتن او مجالسی بزرگ ترتیب می‌دهند. زرتشتیان ایران در این زمانه طوفان‌خیز و در این دوران پراشتاب که از یک‌سو مردم به‌پا خواسته‌اند و بندهای بندگی سده‌ها را پاره می‌کنند و از سوی دیگر شیطان بزرگ آمریکا دشمن جهانی زحمتکشان و مستضعفان و هم‌دستان خارجی و داخلی آن با تمام سلاح و با تمام نیرنگ به‌میدان آمده‌اند، خیلی خوب می‌فهمند که نقش کسانی چون آیت‌الله صدوقی تا چه‌قدر دشوار است و برای مقابله با نفاق‌افکنی‌ها و دورویی‌های دشمن چه درایت و هوشیاری فوق‌العاده‌ای لازم است. به‌مر حال همان‌طور که زندگی آیت‌الله صدوقی پربار بود، شهادت او هم توانست انگیزه‌ای بزرگ برای انسجام و وحدت مبارزه زرتشتیان و مسلمانان شود. آن‌ها در کنار هم و به‌خاطر امری واحد که در واقع همان دفاع از انقلاب و دست‌آورد‌های آن است ایستاده‌اند و تا زمانی که این وحدت یعنی وحدت تمامی مردم ایران در برابر دشمنان انقلاب وجود دارد، هیچ ترفندی دشمنان انقلاب را شاد نخواهد کرد. انقلاب تا امروز پیش رفته است و بر همه دشواری‌ها و کج‌رویی‌ها پیروز شده است و ما مطمئن داریم که در آینده هم، چنین خواهد بود. زرتشتی و مسلمان همه با هم و از ته دل فریاد بزنیم:

پیروز باد انقلاب، مرگ بز امپریالیسم آمریکا

۴. سخنرانی حجت‌الاسلام خاتمی در مراسم بزرگداشت شهید آیت‌الله صدوقی (شنبه ۱۹/۴/۳۱۶۱)

نالار ایرج - تهران

با ابراز خوشحالی فراوان از این‌که در میان هم‌میهنان عزیز زرتشتی هستیم، باید این حقیقت را به‌عرضتان برسانم که من علاوه بر این‌که به‌حکم مکتب و آئینم و به‌حکم وجدان انسانیم موظف به‌احترام به‌شما عزیزان هستیم، وضع زندگی من نیز سبب برانگیختن حس احترام مضاعف در من نسبت به‌هم‌میهنان زرتشتی شده است. در محیط زندگی من و مستط‌الراس من، ارکان بیزد، من زندگی درازمدتی را با هم‌میهنان زرتشتی آموخه‌ام. در کوچه، در بازار، در کلاس‌های درس دبیرستان و حتی با شرکت در مراسم با شکوه این هم‌میهنان عزیز. و امروز ما در این‌جا به‌خاطر بزرگداشت شخصیتی که وجود خویش را وقف عظمت و عزت این مردم و این ملت کرده، گرد هم جمع آمده‌ایم، وجودی که چون شمع سوخت تا دشمنان ایران عزیز و انقلابی و استقلال‌طلب را رسوا بکند. امروز موارد اشتراک فراوان میان ما و شما همه آنانی که به‌حق در این مملکت و برای این ملت زندگی می‌کنند وجود دارد. ارزش‌ها و ایده‌ها و مفاهیم والای الهی را که هر دوی ما در آن مشترک هستیم سبب پیوندی مستحکم میان ما می‌شود. ما همه می‌خواهیم که در جهان پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک حکومت بکند و این اصل مشترک میان اسلام، میان زرتشتیت و میان همه آن‌هایی است که دین خویش را از منبع ماوراءالطبیعه و از منبع ملکوت می‌گیرند و هم‌میهنان زرتشتی در جریان عمل نشان دادند که هم‌گام و همراه با این انقلاب هستند و در حال مبارزه‌ای بی‌امان با استعمار. استعماری که حتی از زیرپا گذاشتن و به‌بازی گرفتن مقدس‌ترین مقنسات قوم ایرانی و به‌خصوص زرتشتی برای زدودن آثار اصالت فرهنگی و سوق‌دادن جامعه به‌سوی ارزش‌های امپریالیستی و استعماری، از به‌بازی‌گرفتن حتی ارزش‌های زرتشتی و آئین زرتشتی هم ابا نمی‌کرد. هم‌میهنان زرتشتی ما باید با نفرت بیشتر و با خشم بیشتر مبارزه کنند. با استعماری که می‌کوشید برای تهی‌کردن این جامعه و این ملت از اصالت‌های فرهنگی که منشأ استقلال و آزادی این مملکت بود سوء استفاده بکند، از زرتشتی‌گری و از آئین زرتشتی، و همواره نشان داده‌اند هم‌میهنان، که از این ترفندها فریب نمی‌خورند. امروز وقتی که من وارد این محفل معظم شدم نگاه من به‌سیمای پاک و ملکوتی و زیبا و ارزشمند جوانان زرتشتی که در کنار جوانان مسلمان در جبهه‌های جنگ علیه استکبار، خون پاک خویش را تقدیم و نثار انقلاب کرده‌اند و آیا پیوندی که با خون استوار شده است گسستی است؟

و حضور من در این‌جا و حضور شما در این‌جا به‌مناسبت شهادت یکی از خدمتگزاران بزرگ اسلام که چون خدمتگزار بزرگ اسلام بود حامی هم‌میهنان زرتشتی هم بود، گرد آمده‌ایم، هم این گرد آمدن دلیل پیوند محکم ما و شما برای طی‌کردن یک مسیر بلند و دراز در مبارزه با استکبار، در مبارزه با صهیونیسم، در مبارزه با سلطه‌طلبی ابرقدرت‌هاست. ما گرچه فرازهای بزرگی را در زندگی خود طی کرده‌ایم و برای اولین دفعه در عصر جدید اعلام کردیم که تنها یک انقلاب است که به‌استقلال می‌اندیشد و آن انقلاب اسلامی ایران است و حاضر نیست به هیچ قیمتی زیربار زورگویی و سلطه‌جویی ابرقدرت‌ها برود و این را اثبات کردیم و بسیج کردیم همه نیروهای محروم و مستضعف دنیا را که علیه وضع نابسامان موجود که محصول حاکمیت خونبار امپریالیسم و استکبار بر زندگی محرومان است قیام بکنند و شور قیام علیه استکبار، سراسر دنیای محروم و مستضعفان را گرفته است، هنوز راه درازی تا رسیدن به‌استقلال واقعی تا آن‌جائی که دیگر هرامیدی از استکبار برای بازگشت مجدد به ایران عزیز و برای سلطه مجدد بر زندگی ما مبدل به یأس بشود راه زیادی را در پیش داریم. هنوز انقلاب عظیم ما که، دیگر متعلق به ایرانی و زرتشتی و مسلمان نیست، متعلق به‌کل مستضعفان جهانی

است که از تسلط سیستم غیرانسانی حاکم بر دنیای امروز رنج می‌برند، هنوز قربانی زیاد می‌طلبند و مطمئن هستیم که خون عزیزان بزرگی چون آیت‌الله بزرگوار شهید معظم حضرت آیت‌الله صدوقی این انقلاب را بارورتر و شعله خشم مردم تهران و استقلال‌طلب و آزادی‌خواه ایران را علیه امپریالیسم و در راس آن‌ها شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار تیزتر و فروزان‌تر خواهد کرد. در پایان ضمن طلب مغفرت برای روح بلند شهید بزرگوار آیت‌الله صدوقی و آرزوی سلامت و بهروزی و کامروایی برای شما هم‌میهنان عزیز زرتشتی و آرزوی پیروزی هرچه زودتر رزمندگان مقاوم ما برعلیه عامل امپریالیسم رژیم صدام، از خداوند می‌خواهیم که سایه بلند امام امت را که در سایه رهبری او به این‌همه عظمت رسیده‌ایم برسر ما مستدام بدارد. پیروز و سربلند باشید. والسلام وعلیکم ورحمة‌الله.

۵. سخنرانی حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم بزرگداشت آیت‌الله صدوقی (شنبه ۱۹/۴/۱۳۶۱، تالار ایرج - تهران)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

من صرفاً به‌عنوان ادای وظیفه در این محفل شرکت کرده‌ام که در این مراسم بزرگداشت شهید بزرگوار آیت‌الله صدوقی شرکت کنم و پیش از این برنامه دیگری قرار نبود. اما حالا که در جمع شما شرکت کرده‌ام لازم می‌دانم که اولاً مراتب تقدیر و تشکر خود را به‌عنوان یک روحانی مسلمان از جامعه محترم زرتشتیان ابراز کنم که در شهادت و در سوگ یک عالم اسلامی، جامعه محترم زرتشتیان اظهار همدردی کردید و نشان دادید که در این انقلاب همه ملت ایران از همه اقشار و اقلیت‌ها و اکثریت مسلمان، هم‌درکنار هم هستیم ما، و دشمن ما امروز فقط دشمن جمعیت مسلمانان که اکثریت جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهند نیست. آمریکا امروز دشمن این ملت است. دشمن این ملتی که از مسلمین، زرتشتیان، کلیمیان، مسیحیان و همه اقلیت‌های مذهبی، که همه اقلیت‌ها و نیز اسلام به‌یکجا ریشه می‌رسانند و آن خداست. آمریکا امروز دشمن همه ماست. دشمن بشریت است. دشمن انسانیت است. کشتن پیرمرد هفتاد و پنج‌ساله‌ای آن هم مانند آیت‌الله صدوقی، یک مرد خدمتگزار، یک روحانی‌ای که شما شاید بسیاری از خدمات ایشان را مطلع هستید. یک روحانی که در تمام عمر به طبقات محروم خدمت می‌کرده و عمرش را وقف در راه خدمت به‌این قشر مستضعف نموده، در هرجا از این کشور گرفتاری برای مردم محروم ما پیش می‌آمد، مرحوم شهید آیت‌الله صدوقی از اولین کسانی بود که به‌نجات آن‌ها می‌شتافت، کشتن چنین مردی نشان‌دهنده این واقعیت است که دشمن ما دشمن انسانیت است نه فقط دشمن اسلام است، نه فقط دشمن روحانیت اسلام است، دشمن انسانیت است، یک پیرمردی که نه مقام رسمی در این مملکت به‌عهده داشت، مسئولیت رسمی برعهده نداشت، نه وکیل بود نه‌وزیر بود نه‌جزء ارتش بود. اگرچه از استوانه‌های اسلام، مهم این انقلاب بود، اما در کدام‌یک از مسئولیت‌های رسمی کشور شرکت داشت و مخالفت می‌کرد؟ یک پیرمردی را فقط به‌جرم این که مردم او را دوست دارند، به‌جرم این‌که اگر او از مردم دعوت کند روزی قیام کنند، قیام می‌کنند. اگر از مردم بخواهد در فلان نقطه زلزله آمده است مردم بشتابید، برای حمایت زلزله‌زدگان و آسیب‌دیده‌ها. اگر جانی را سیل زد از مردم دعوت می‌کند که مردم بشتابید به‌کمک آن‌ها، فقط به‌جرم این که او هرگاهی از مردم می‌خواست که بشتابید برای کمک به‌محرومین، مردم دعوت او را اجابت می‌کردند. دشمن ما در درجه اول ویادی مزدورانش در داخل فقط به‌این جرم این پیرمرد ۷۵ ساله را به‌خاک و خون کشیدند. پست در حقیقت این‌ها دشمنان انسانیت هستند. دشمنان بشریت هستند. دشمنان

این حکومت نیستند که اگر امروز این‌ها نیایند یک وزیر را ترور کنند، یک نماینده مجلس را ترور کنند، آنجا می‌گوئیم درست است ما با ضدانقلاب در جنگیم. ضدانقلاب هم با ما در جنگ است، طبعاً مهره‌های حکومت را ترور می‌کنند. اما کشتن آیت‌الله صدوقی از مقوله ترورها و کشتن شخصیت‌های سیاسی و مسئولین رسمی کشور نیست. کشتن آیت‌الله صدوقی مانند آتش‌زدن اتوبوس شرکت واحد است درحالی که در میان این اتوبوس زنان هستند و فرزندان خردسالشان و کودکان در اتوبوس هستند. همچنان که آتش‌زدن اتوبوس شرکت واحد صرفاً یک عمل وحشیانه ضدانسانی است. کشتن آیت‌الله صدوقی هم از همین مقوله است. لذا ما باید از نوع حرکت ضدانقلاب درس بگیریم. همان‌طور که جامعه زرتشتیان امروز با این اجتماع‌شان خواسته‌اند به دشمنان اسلام و انسانیت اعلام کنند که: امروز در ایران مسئله اسلام و تنها روحانیت اسلام مطرح نیست، مسئله موجودیت یک ملت و یک کشور است. ما می‌دانیم که دشمن به دنبال این ترورها و به دنبال این وحشیگری‌ها قصد دارد مجدداً این کشور را به زیر سلطه خود درآورد، لذا همه اقلیت‌های مذهبی، همه اقشار ملت، امروز موظفند دست در دست هم باشند. امروز به هیچ وجه از هیچ گروهی پذیرفته نیست که مسائل گروهی خود را مطرح کند، برای این‌که دشمن، دشمن فقط یک گروه از ما نیست. دشمن همه ملت است. اساساً آن‌طوری که انسان احساس می‌کند و می‌فهمد اینست که دشمنان ایران امروز با انگیزه‌های خداجویی دشمنند. دشمنان انسانیت احساس کرده‌اند که در هر جمعیتی اگر امروز انگیزه خداجویی و خداخواهی باشد و قوت بگیرد در برابر هیچ قدرت دیگری تسلیم نخواهد شد. لذا تنها اسلام را هدف نگرفته است. اگر جمعیت خداجویی به نام خدا و این ارزش‌های معنوی و الهی امروزه قیام کند، آمریکا و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی با آن‌ها دشمن خواهند بود، امروز در ایران پس تفاوت نمی‌کند مسلمان‌ها، زرتشتیان، کلیسیان، مسیحیان و همه این کسانی که در نهایت خدا را می‌خوانند، امروز همه باید با هم متحد و متفق آن‌چنان انسجام و اتحاد داشته باشیم که دشمن کمترین امید نفوذ در میان ملت ما را نداشته باشد و در آن صورت است که ما مطمئن هستیم ترور شخصیت‌های بزرگی مانند شهید آیت‌الله صدوقی با این که ضایعه بزرگی است برای ملت ایران اما نه تنها توقفی در انقلاب ایجاد نمی‌کند، بلکه به اندازه عظمت آیت‌الله صدوقی شهادت او هم با عظمت است و شهادت او هم در تسریع حرکت انقلابی این ملت بزرگ مؤثر است. و همه با هم متفق و متحد دست در دست هم راه این شهیدان بزرگ را ادامه خواهیم داد و ایرانی آباد و سرفراز خواهیم ساخت و دشمن بدانند که امروز در ایران مسئله مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد. همه فهمیدیم که دشمن آمریکاست و همه فریادمان این است در هر نقطه‌ای که هستیم از هر شهری که هستیم، از هر جمعیتی که هستیم فریادمان فریاد مرگ‌گر آمریکاست و ماشه‌های همه عزیزانمان را و همچنین شهادت آیت‌الله صدوقی را در نهایت بدست آمریکا می‌دانیم. امیدواریم که خداوند به احترام خون این شهیدان و به احترام همه آن‌هایی که خدا را می‌خواهند رزمندگان ما را در جبهه‌های جنگ پیروز بفرماید. امیدواریم به زودی زود با همت و یاری این ملت بزرگ و همه اقشار ملت انشاءالله صدایمان کافر بعضی به گورستان تاریخ سپرده خواهد شد و ملت عراق هم از جنگ این مزدور آمریکا در منطقه نجات پیدا کند. من بیش از این تصدیق نمی‌دهم و همه شما را به خدا می‌سپارم. والسلام وعلیکم ورحمة‌الله.

۶. سخنرانی موبد شهزادی در مراسم یادبود حضرت آیت‌الله صدوقی (شنبه ۱۹/۴/۶۶، تالار ایرج)

به نام خداوند بخشنیده بخشایشگر مهربان

درود بر روان شهید جان‌باخته آیت‌الله محمد صدوقی و همه شهیدان راه انقلاب. یکی از دست‌آوردها و مزایای جمهوری اسلامی ایران این است که در هنگام شهادت یکی از فرزندان متعهد این آب و خاک، همه اقشار ملت اعم از اکثریت یا اقلیت در تشییع جنازه، مراسم ختم و بزرگداشت آن روان‌شاد شرکت می‌کنند و با دل و جان بر روان پاکشان درود می‌فرستند. گرچه شهادت آیت‌الله صدوقی از حوادث ناگوار مردم این کشور است به‌ویژه برای زرتشتیان استان یزد، با وجودی که مرکز خدمات مختلف از قبیل: سیاسی، دینی و علمی بودند، به‌خصوص در مورد کشاورزی و آبیاری یزد. به‌طوری‌که همه می‌دانید سرزمین یزد، استان یزد در بخش خشکی از این کشور قرار گرفته است و آن شادروان همیشه با آقای جمشید امانت متخصص کشاورزی و آبیاری جدید ایران همکاری می‌نمودند و چه در مواقعی که در مجلس خبرگان با هم بودیم و چه بعداً، همیشه به‌دولتمردان کشور توصیه می‌فرمودند که در این راه آن‌چه از دستشان برمی‌آید کوتاهی نکنند. به‌خصوص در مورد سدسازی و فراوانی آب یزد که همیشه حاضر به‌هرگونه فداکاری بودند. امیدواریم فرزند ارجمند ایشان و همین‌طور جانشین محترمشان و خانواده آن شادروان در این راه که منظور اصلی خدمت ایشان بود کوتاهی نفرمایند و این کار را ادامه بدهند.

سپس آقای موبد شهزادی به‌ترجمه قسمتی از اوستا و شرح آئین پرسه پرداخت.

۷. سخنرانی سرگرد پرویز شهریاری دبیر دوم انجمن زرتشتیان تهران در مراسم یادبود حضرت آیت‌الله صدوقی

به‌نام اهورامزدا

خدایا زرتشت و یارانش را نیرو بخش تا آزار بدخواهان را از میان بردارند. گاتها بار دیگر دست‌جنابیت از آستین دمنشان و اهریمن‌صفتان بیرون آمد و یکی از بهترین فرزندان این انقلاب را از مردم گرفت. آیت‌الله صدوقی یار و یاور مردم ایران به‌ویژه زرتشتیان یزد، به‌دست دشمنان وطن‌مان جان باخت. این پیرمرد وارسته نه‌تنها مردی دلسوز برای جامعه کل بود، بلکه دوست و راهنما و پشتیبان خوبی برای زرتشتیان به‌شمار می‌آمد. آن فقید سعید کار و کوشش و تلاش را برای به‌روزی و بهزیستی کلیه هم‌میهنان در سرلوحه زندگی برقرار خود قرار داده بود و بالاخره در راه اهداف انسانی و مقدس خویش به‌سرای جاودان شتافت.

به‌گفته اشوزرتشت پیامبر راستین ایران زمین، «آنان که در نیک نامی کار و کوشش می‌کنند به‌زودی در سرای زیبای منش نیک خدایی و راستی و درستی به‌هم می‌پیوندند»، بلی شادروان صدوقی همان راهی را رفت که به‌سرای زیبای منش نیک خدایی منتهی می‌شد. انجمن زرتشتیان تهران ضمن تسلیت و تبریک به‌رهبر انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران و خانواده آن شادروان به‌ویژه فرزند بیرومندش از اهورامزدا خواستار است ایران، این سرزمین پاکان و نیکان همچنان به‌پیش رفته و خاک مقدسش از وجود بیگانگان و دیوصفتان پاک باشد. خوشبختانه زرتشتیان کاملاً مطمئن هستند امام جمعه جدید یزد حضرت آیت‌الله خاتمی راه آن بزرگوار را ادامه داده و در راه همبستگی و حسن تقاضم هرچه بیشتر بین برادران مسلمان و زرتشتی گام‌های مؤثری برخواهند داشت.

۸. سخنرانی جناب آقای خسرو باستانی‌فر نماینده سازمان فروهر در مجلس بزرگداشت شهید آیت‌الله محمد صدوقی (یکشنبه ۱۹/۶/۶۱، تالار ایرج - تهران)

هم‌کیشسان عزیز، درگذشت پرافتخار شادروان حضرت آیت‌الله صدوقی برای عموم زرتشتیان مایه کمال تأسف است. تمام زرتشتیان ایران در تمام شهرها و دهات این ضایعه را شدیداً احساس می‌کنند و تلقباً از این که یک روحانی بزرگوار و یک عالم جلیل‌القدر از این امت و از این مملکت گرفته شده است عمیقاً متأسف هستند. اما این ضایعه را زرتشتیان یزد بیش از زرتشتیان شهرهای دیگر احساس می‌کنند و چون مصداق «شکسته استخوان داند بهای مومیایی را». زرتشتیان یزد تکیه‌گاه و حامی و پشتیبانی را از دست دادند. از هم‌کیشسان عزیز شاید آگاه باشند که یزد منطقه‌ای وسیع است، علاوه بر آن‌که زرتشتیان درخود شهر یزد سکونت دارند در اکثر دهات اطراف یزد در شعاع بسیار وسیعی نقاط زرتشتی نشین داریم، از اردکان شروع می‌شود از شریف‌آباد اردکان و از مزرعه کلانتر تا غرب یزد که رحمت‌آباد باشد تا جنوب غربی یزد که تفت و نواحی تابعه تفت باشد، در تمام این نقاط زرتشتیان پراکنده‌اند و در تمام مدتی که این روحانی عالیقدر در یزد به‌حال بیچارگان می‌رسیدند و زمام امور اجتماعی یزد را در کف با کفایت خود داشتند زرتشتیان همواره از این امتیاز برخوردار بودند که ایشان در همه موارد از آن‌ها پشتیبانی و حمایت می‌کردند درست مانند یک پدر مهربان، من می‌خواهم از جامعه زرتشتی، از هم‌کیشسان عزیز تقاضا کنم که موضوع شهادت حضرت آیت‌الله صدوقی به این مجلس خاتمه نیابد، بلکه ما این مطلب را از دیدگاه تاریخی در رابطه با جامعه زرتشتی عمیق‌تر و بیشتر بررسی کنیم و برای این که یک چنین مهمی را بتوانیم به‌انجام برسانیم نیازمند به‌سیاری از مدارک و اسناد ارزنده‌ای هستیم که اکنون در دسترس خانواده‌های زرتشتی یزد و دهات اطراف یزد قرار دارد، آن‌ها می‌دانند که در چه موارد حساسی در چه گرفتاری‌هایی که برایشان پیش آمده از محبت و سعه صدر و بزرگواری آیت‌الله صدوقی استفاده کرده‌اند، چه مسائل و مشکلاتی را آیت‌الله صدوقی از آنان حل کرده و چه مظالم و گرفتاری‌هایی را در مورد زرتشتیان یزد گرفته. به‌خوبی می‌دانیم که هرگاه روحانی عادل، متوجه به‌حال اجتماع در رأس کار بوده، جامعه زرتشتی در رفاه و آسایش می‌زیستند و آن روحانی عالم و عادل، فقیه متوجه حال اقلیت بوده که جلو ظلم و جور جباران و ستمکاران و کسانی که در یزد می‌دانید چه‌ها به زرتشتیان کردند، می‌گرفته. بررسی این سیر تاریخی قابل توجه است، ببینید زرتشتیان از زمانی تحت فشار حکام محلی از خراسان به‌جانب کویر مهاجرت کردند و بالاخره در یزد ساکن شدند. طی این چند سال بر آن‌ها چه گذشته و چه علمای بزرگواری در یزد بودند که این جامعه قلیل و کوچک ضربت دیده و رنج کشیده را با بزرگواری خودشان به‌عنوان اهل ذمه و به‌عنوان اقلیت واجد احترام حفظ کرده‌اند و جلو ظلم و جور را گرفته‌اند و آیت‌الله صدوقی نمونه بارز و اصیل این جامعه روحانیت است. من مأموریت دارم از جانب سازمان فروهر این شهادت را حضور ملت بزرگ ایران، حضور رهبر عالیقدر انقلاب و به‌عموم زرتشتیان به‌ویژه زرتشتیان یزد تسلیت عرض کنم و از خدا بخواهم که این جامعه روحانیت و پیشوایان دینی را این توان به‌آن‌سان بدهد که در راه حقیقت و واقعیت دین که حمایت از ضعفها هست گام بردارند. امیدوارم جامعه زرتشتی با توجهات حضرت آیت‌الله خاتمی که جانشین به‌حق شهید عالیقدر حضرت آیت‌الله صدوقی هستند و به‌حال زرتشتیان توجه خاص دارند کماکان در رفاه و آسایش باشند. به روان همه شهیدان راه انقلاب و آزادی ایران درود می‌فرستم و برای بازماندن جلیل‌القدر حضرت آیت‌الله صدوقی افتخار بیشتر، سربلندی و سرافرازی و پیمودن راه آن شهید بزرگوار را آرزو می‌کنم.



دکتر مهدی تجلی پور
(۱۳۱۳ - ۱۳۶۱)

سرزمین ایران در تیرماه ۱۳۶۱، یکی از چهره‌های بزرگ دانش خود را از دست داد.

دکتر مهدی تجلی پور در سن ۴۸ سالگی و در حالی از این جهان رفت، که، به جز آثار چاپ شده و یا زیر چاپ خود، هزاران صفحه کار علمی نیمه تمام از خود باقی گذاشته است.

تجلی پور عاشق کار خود بود و در همین دوران کوتاه زندگی خود، آن قدر کار کرد که تنها با غول‌های عالم دانش قابل مقایسه است. کار او در زمینه گیاهان و جانوران دریائی و به خصوص خلیج فارس و دریای خزر بود. نمونه‌هایی که او خود، و با عشقی حیرت‌انگیز، جمع‌آوری کرده است، می‌تواند خود یک موزه آموزشی بزرگ را تشکیل دهد. بعضی از آثار چاپ شده ایشان چنین است:

- تلاش برای زندگی
- زندگی اجتماعی و اخلاقی جانوران
- میمون برهنه
- گیاهان گوشتخوار
- نرمتن‌شناسی
- دایرةالمعارف دانش بشر

و ده‌ها مقاله به زبان‌های فارسی و فرانسه.

کتاب بزرگ و پژوهشی تجلی پور در زمینه خلیج فارس در دو جلد در دست چاپ است.

در این جا، به خاطر یادی از این دانشمند از دست‌رفته، مقاله کوتاه و چاپ‌نشده‌ای از ایشان را چاپ می‌کنیم.